

ارباب فرهنگ و معارف ایران را، در تمام شهرها و حتی در کوچک‌ترین روستاهای کشور بشناسید و آدرس و تلفن ایشان را به دست آورید و در مواردی حوزه کار و تخصص ایشان را نیز بدانید. آنجاست که حوزه پهنور دستاران و شیفتگان ایرج افشار را می‌توان از نزدیک آزمود و دید، و نیز یک نمونه از «انضباط آرشیوی» او را.

از «پکن» بشنواین سخن نه ز «رم»:
هر که در میخ صرفه جویی کرد
می‌کند نعل اسب خود را گم
البته قافیه بیت اول را درست به یاد نمی‌آورم.

جای دیگری، همین روزها، مقاله‌ای درباره «دفتر تلفن» ویژه سفرهای او - که نموداری است از انضباط آرشیوی او - نوشته‌ام؛ در این جا به هیچ‌روی قصد تکرار آن مطلب را ندارم. همین قدر می‌گویم که آن دفتر تلفن - که خود کتابی بزرگ است - نموداری است از توزیع نام و نشان تمام فضایی معاصر ایران بر روی نقشه جغرافیایی ایران. از روی آن کتابچه، شما می‌توانید



ایرج افشار، دانشمندی با تواناییهای استثنائی

علی اشرف صادقی*



۱۳۸۴ به کوشش خود افشار چاپ شد). در تأسیس این مجله هر چند چهار تن دیگر همکاری داشتند، اما در حقیقت تهیه و آماده‌سازی آن به دست خود افشار انجام می‌گرفت. نخستین کتاب‌هایی که چاپ کرد تجدید طبع بعضی متون نایاب بود که خاورشناسان در خارج از ایران به چاپ رسانده بودند. در سال ۱۳۳۱ رساله کوچک سمریه از آثار قرن سیزدهم هجری را که نیکولا وِسلوفسکی (N.I. Veselovsky) روس در ۱۹۰۴ در پترزبورگ چاپ کرده بود با مقدمه‌ای از خود و مقدمه دیگری از سعید نفیسی در *سالنامه کشور ایران* و نیز در ۲۰۰ نسخه مجزا در ردیف انتشارات کتابخانه دانش به چاپ رساند. وی بعدها در ۱۳۴۳ چاپ منقح‌تری از این کتاب انتشار داد و سال‌ها بعد در ۱۳۶۷ آن را همراه با *تجدید چاپ کرد*. در همین سال ۱۳۳۱ *رساله حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر* را که ژوکوفسکی روس در ۱۸۹۹ چاپ کرده بود تجدید چاپ کرد و در سال ۱۳۴۱ چاپ بهتری از آن به دست داد. در سال ۱۳۳۳ نیز چاپ مجددی از *فردوسه المرشدیه فی اسرار الصمدیه* محمود بن عثمان در شرح حالات ابواسحاق کازرونی به دست داد که قبلاً فریتز مایر آن را در ۱۹۴۳ (= ۱۳۲۲) در استانبول به چاپ رسانده، ولی در ۱۹۴۸ در لایپزیک منتشر

شخصیت علمی و فرهنگی ایرج افشار از چند جنبه قابل بررسی است. با آنکه او لیسانسیه حقوق بود، اما به غیر از فهرست مقالات حقوقی که در ۱۳۴۸ با همکاری دو تن دیگر به چاپ رساند، هیچ‌گاه در رشته تحصیلی خود قلم نزد زمینه علاقه و کار او بخشی از فرهنگ ایران بود که به تاریخ و ادبیات و مسائل پیرامونی آنها مربوط می‌شد. مجله‌نگاری و کتاب‌شناسی و فهرست‌نویسی و گردآوری مقالات نیز از دغدغه‌های اصلی او به شمار می‌رفت. او از بیست و دو سالگی قلم در دست گرفته بود و با *مجله جهان نو* به مدیریت حسین حجازی همکاری می‌کرد. پس از تأسیس *مجله نعم* در ۱۳۲۷ با آن مجله نیز به همکاری پرداخت. در سال ۱۳۲۳ که در سن ۱۹ سالگی بود مدیر داخلی سال سوم *مجله آینده* شد که مدیریت و سردبیری آن را پدرش دکتر محمود افشار در عهده داشت. در سال ۱۳۳۱ سردبیر سال هشتم *مجله مهر* بود و در آنجا دو سه مقاله چاپ کرد. در ۱۳۳۲ با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه، عباس زریاب، منوچهر ستوده و مصطفی مقربی *مجله فرهنگ/یران زمین* را تأسیس کرد که سی دوره از آن به چاپ رسید (جلد بیست و نهم آن در ۱۳۷۵ و جلد سی‌ام در

* استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی





شده بود. چاپ افشار حاوی ترجمه مقدمه مایر و مقدمه‌ای جدید با اطلاعاتی تازه بود.

این علاقه به چاپ متون قدیم در افشار به حدی بود که وی تا آخرین روزهای زندگی خود بیش از پنجاه متن قدیم و نسبتاً قدیم فارسی را که بسیاری از آنها برای نخستین بار چاپ می‌شد تصحیح و منتشر کرد؛ متونی مانند/سکندرنامه، قرخ‌نامه، جمالی‌یزدی، دو ترجمه از مسالک و ممالک اصطخری، جلد دوم /اوراد الاحباب ابوالمفاخر باخرزی، خوابگزاری، عرائس الجواهر ابوالقاسم کاشانی، التحبیر فی علم التعبیر فخرالدین رازی، جواهرنامه نظامی نیشابوری، نوادر التبادر شمس‌الدین دنیسری (با همکاری دانش پژوه)، انیس الناس شجاع، ترجمه فارسی صیدنه بیرونی (با همکاری منوچهر ستوده)، زنگی‌نامه از محمد زنگی بخاری، و غیره. همچنین بیش از صد رساله قدیم و جدید را در نشریات مختلف، مانند فرهنگ ایران زمین، میراث اسلامی ایران، دفتر تاریخ و غیره به چاپ رساند که هر کدام از یک یا چند نظر برای فرهنگ ایران مهم‌اند.

وی بیش از شصت جلد خاطرات و سفرنامه و یادداشت‌ها و متون دیگر از اشخاص مختلف را نیز که به دوره قاجار و پهلوی مربوط می‌شود به چاپ رساند که مهمترین آنها روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه است که چاپ دوم آن که در اختیار نگارنده است دارای ۱۱۰۷ صفحه است.

کتاب‌های تألیفی افشار، غیر از سه جلد یادگارهای یزد و واژه‌نامه یزدی که دو بار چاپ شده (بار دوم با اضافات و تغییرات) و چند کتاب دیگر اساساً فهرست‌های نسخه‌های خطی و کتابشناسی‌ها و فهرست‌های مقالات است. کتاب‌های زیر از این مقوله است: فهرست مقالات فارسی (۶ جلد. جلد هفتم در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در دو مجلد توسط پژوهشگر دیگری زیر نظر افشار تهیه شده است)؛ کتاب‌شناسی فردوسی (دو بار چاپ شده و چاپ سوم آن با اضافات در دست انتشار است)؛ فهرست مقالات ایران‌شناسی در زبان عربی؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک (۱۳ جلد با همکاری ۴ نفر دیگر)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلدهای ۱۱ تا ۱۶ با همکاری ۳ نفر دیگر)؛ فهرستواره کتابخانه مجتبی مینوی (با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه)، و چندین کتاب دیگر از این مقوله. تردیدی نیست که افشار در زمینه نسخه‌شناسی و شناخت کاغذ و

خط متخصص منحصر به فرد بود. با بررسی کوتاه یک نسخه خطی به سرعت می‌توانست حدود سال کتابت آن را معین کند. مقالات او در نامه بهارستان و کتابی که درباره کاغذ چاپ شد گواه راستین این تخصص او است.

مجموعه‌هایی که گردآوری کرده، علاوه بر یازده جلد یادداشت‌های قزوینی (جلد یازدهم بخش اول مسائل پارسیه قزوینی با همکاری علی محمد هنر است) و ده جلد مقالات تقی‌زاده، عبارت‌اند از نامه مینوی (جشن‌نامه مجتبی مینوی، با همکاری دو نفر دیگر)، مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله، یادنامه ایرانی مینورسکی (با همکاری مجتبی مینوی)، یادگارنامه حبیب یغمایی (با همکاری دو نفر دیگر)، محیط ادب (جشن‌نامه محمد محیط طباطبایی، با همکاری ۳ تن دیگر)؛ نامواره دکتر محمود افشار (۱۰ جلد که از جلد یازدهم تا نوزدهم به پژوهش‌های ایران‌شناسی تغییر نام داد) و چندین مجموعه دیگر، از جمله مجموعه‌ای به نام گنجینه نسخه‌برگردان (= متون عکسی) که ۵ کتاب در آن سلسله به چاپ رسیده؛ از جمله دو نسخه خطی مهم از شاهنامه، یکی نسخه لندن و دیگری نسخه دانشگاه سن ژوزف بیروت و سلسله دیگری به نام متون پیشینه داستانی که نشر چشمه آن را منتشر می‌کند و چهار کتاب از آن بیرون آمده است؛ از جمله چاپ دوم/سکندرنامه (منسوب به کالیستنس) و فیروزشاهنامه که جلد سوم داراب‌نامه بیغمی است. این دو مجموعه با همکاری دیگران منتشر شده است.

گفتیم مجله‌نگاری یکی دیگر از زمینه‌های علاقه او بوده است. مجله‌هایی که تأسیس یا نشر کرده عبارت‌اند از راهنمای کتاب (۲۱ سال)، آینه (۱۵ سال، از سال پنجم تا نوزدهم)؛ فرهنگ ایران زمین (که قبلاً درباره آن صحبت شد)؛ نسخه‌های خطی (با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه، هشت دفتر اول)؛ کتابداری (شش دفتر اول). مجله‌های راهنمای کتاب و آینه اساساً مجله‌های اطلاع‌رسانی است؛ به این معنی که هدف از مجله اول دادن اطلاعات مربوط به کتاب به خوانندگان بوده است. مقالاتی که در این مجله نشر می‌شد عمدتاً نقد کتاب، مقالات مربوط به نسخه‌های خطی، معرفی کتاب‌های تازه، شرح حال دانشمندان معاصر، نظرآزمایی درباره بعضی موضوعات ادبی و علمی و بعضی مقالات تحقیقی بود. این مجله روی هم‌رفته در پیشبرد نقد در ایران و اطلاع‌رسانی در زمینه کتاب، مجله‌ای

تعداد آنها بیش از ۸۰ تا است. دسته دیگر «نقد کتاب‌ها» است. تعداد این نقدها بیش از ۱۳۰ عدد است و در *راهنمای کتاب و آئینه* و *جهان کتاب* و بعضی مجلات دیگر نشر شده است. تعدادی دیگر اسناد تاریخی مختلف و بیشتر آنها مربوط به دوره قاجار است. تعداد آنها بیش از ۳۰۰ عنوان است. بیشتر این مقالات در *راهنمای کتاب و آئینه* و *یغما و بررسی‌های تاریخی و یزدنامه و فرهنگ ایران زمین و نگاه نو* و غیره چاپ شده است. دسته دیگر مقالات او یادداشتهای کوتاه و گاهی بلندی است که به مناسبت در گذشت دانشمندان و مشاهیر ایرانی و خارجی (اساساً غربی) نوشته شده است. تعداد ۶۱۰ نوشته از این دسته را محمود نیکویه در ۱۳۸۲ در کتابی با عنوان *نادره‌کاران* در ۱۱۲ صفحه گرد آورده و به چاپ رسانده است. افشار ۲۱ نوشته از این وفیات را قبلاً در کتاب *سواد و بیاض* (۱۳۴۴) که در پایین از آن گفت و گو خواهد شد منتشر کرده بود. گروه دیگر مقالات او گزارش سفرهای اوست. تعدادی از این سفرنامه‌ها را خود افشار در ۱۳۵۴ در ۵۵۰ صفحه با نام *بیاض سفر* به چاپ رسانده است. در تعدادی از این سفرنامه‌ها بحث‌هایی درباره نسخه‌های خطی فارسی موجود در کشورهای مختلف که افشار به آنجا سفر کرده وجود دارد. تعدادی دیگر از سفرنامه‌های سفرهای ایران او در ۱۳۸۴ در کتابی به نام *گلگشت در وطن، سفرنامه‌چه* به کوشش فرزندان او در ۶۵۴ صفحه چاپ شده است. تعدادی دیگر از سفرنامه‌های داخل و خارج او نیز در صفحات ۳۰۱ تا ۴۵۸ *سواد و بیاض* به چاپ رسیده است. افشار حدود ۶۰ مقاله نیز به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی دارد که ظاهراً همه یا عمده آنها را دیگران از فارسی ترجمه کرده‌اند. بسیاری از آنها که به انگلیسی است در دانشنامه ایرانیکا (چاپ آمریکا) به چاپ رسیده است. وی از ماه مهر ۱۳۷۳ شروع به نوشتن مطالب پراکنده‌ای با عنوان «تازه‌ها و پاره‌های ایران شناسی» در *مجله کلک* (از شماره ۵۳ به بعد) کرد که دنباله آن در *مجله بخار* (از شماره اول (۱۳۷۷) تا شماره ۸۰) ادامه یافت. محتوای این نوشته‌ها اسناد، یادداشت‌های تاریخی، وفیات، نسخه‌های خطی، کتاب‌های تازه و یادداشت‌های پراکنده مربوط به موضوع‌های مختلف است. نگاه دقیق به آثار استاد افشار نشان می‌دهد که او شیفته کشف، چاپ و عرضه مطالب و آثار تازه است. معرفی کتاب‌ها

بسیار موفق بود. *مجله آئینه* در سالهای اول نیز ناشر مقاله‌های مربوط به تحقیقات ایرانی، نقد و معرفی کتاب، نشر اسناد و مدارک قدیمی و مقالات تحقیقی دیگر بود، اما مقالات دوره‌های بعد آن متنوع شد و *مجله دیگر* صورت تحقیقی نداشت. *فرهنگ ایران زمین* خاص چاپ رساله‌ها و متون قدیمی و مقالات تحقیقی بود. این *مجله بی شک* نشریه‌ای ماندنی است. *نسخه‌های خطی* نیز خاص چاپ مقالات و یادداشت‌های مربوط به نسخه‌های خطی بود و فهرست‌های چندین کتابخانه عمومی و خصوصی در آن به چاپ رسیده است. این نشریه نیز از آثار ماندنی است. در *مجله کتابداری* نیز مقالات مربوط به فن کتابداری و نسخه‌های خطی و گاه چاپی چاپ می‌شد. این *مجله* بعد از شماره ششم زیر نظر دیگران منتشر شده است.

مهم‌ترین آثار تألیفی افشار مقالات اوست. تعداد این مقالات از بزرگ و کوچک و مقالات یادداشت‌مانند بسیار کوتاه، نزدیک به دوهزار و پانصد تا است. به هر یک از مطالب متفاوتی که در مقالات «تازه‌ها و پاره‌های ایران شناسی» که در *کلک* و *بخار* به چاپ رسیده شماره جداگانه‌ای داده شده است و در حقیقت هر یک از این مقالات چند مقاله به شمار آمده است. از نظر موضوعی این مقالات را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: یک دسته از آنها مقالات صرفاً تحقیقی هستند. این مقالات اساساً مربوط به نسخه‌های خطی، کتاب‌ها، دانشمندان و مؤلفان گذشته و مسائل تاریخی و جغرافیایی هستند. افشار خود در سال ۱۳۴۵، ۳۵ مقاله از آنها را که مربوط به نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی است در مجلدی به نام *مجموعه کمینه* به چاپ رسانده است، اما همه مقالات این مجموعه مقالات صرفاً تحقیقی نیستند؛ مانند آثار چاپ‌نشده سعید نفیسی و آثار چاپ‌نشده عباس اقبال و آثار *سیدالسلطنه کبابی*. از میان مقالات تحقیقی او احتمالاً به اندازه دو سه جلد دیگر نیز می‌توان بیرون آورد و به چاپ رساند. دسته دیگر مربوط به نسخه‌شناسی است. تعداد این مقالات بیش از ۸۰ مقاله است. تعدادی دیگر مربوط به فهرست‌های نسخه‌های خطی است. بیشتر این مقالات در نشریه نسخه‌های خطی و راهنمای کتاب چاپ شده‌اند و تعداد آنها متجاوز از ۶۰ مقاله است. تعدادی دیگر مربوط به معرفی تک‌نسخه‌ها است. این مقالات در *راهنمای کتاب و آئینه* و *یغما* و مجموعه‌ها چاپ شده‌اند و



و مقالات و نشریات تازه نیز از همین شوق اطلاع‌رسانی او سرچشمه می‌گیرد. سرعت عمل او در تألیف حیرت‌آور است. او در عین آنکه می‌کوشد در مقدمه‌های متونی که چاپ می‌کند آخرین اطلاعات را در مورد متن مورد نظر و مؤلف آن به دست دهد، برای افزودن اطلاعات بیشتر در چاپهای بعد و تحقیقات دیگران نیز مجال باقی می‌گذارد. این شوق استاد به هر چه سریعتر چاپ کردن تحقیق خود تا آنجا غلبان می‌کند که هر نوع یافته جدیدی - حتی در حد یک فیش یا یک لغت - را نیز چاپ‌نشده باقی نگذارد.

وی در ۱۳۸۱ فهرستی موضوعی از نوشته‌های خود تا ۱۳۸۱ ترتیب داده که به توسط فرزندان او در لوس آنجلس آمریکا به چاپ رسیده است. سپس یک پیوست مربوط به نوشته‌های سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ به آن ضمیمه شده است. آنچه در مدت شش ساله پس از ۱۳۸۳ نیز از آثار او چاپ شده - از جمله ۲۹ کتابی که در پایان جزوه اول ذکر و وعده چاپ آنها در آینده داده شده و کتاب‌هایی که در این فهرست نیامده و در این سال‌ها به قلم آن مرحوم چاپ شده - باید به این دو فهرست افزوده شود. حجم این آثار به ده‌ها هزار صفحه بالغ می‌شود و بی‌هیچ تردید تألیف، چاپ و تصحیح مطبعی این مقدار نوشته از توانایی یک فرد معمولی خارج است.

شاید کسانی که از نزدیک با آن مرحوم آشنایی نداشته‌اند با اطلاع از این حجم آثار چنین تصور کنند که وی در تمام لحظات بیداری زندگی خود منحصراً مشغول نوشتن و از کارهای دیگر غافل بوده است، اما این تصور بسیار دور از واقعیت است. افشار از جوانی علاقه‌مند به کوه‌نوردی و بیابان‌گردی و سیاحت در شهرها و روستاها و جست‌وجو و کشف آثار تاریخی بوده است. کتاب‌ها و مقالاتی که درباره آثار تاریخی یزد و سایر نقاط نوشته و سفرنامه‌های او همه منعکس‌کننده این واقعیت است. تعدادی از مقالات او مبتنی بر اطلاعاتی است که از خواندن کتیبه‌ها و سنگ‌قبرها به دست آورده است. گرفتن عکس از آثار تاریخی و اشخاص نیز از علاقه‌های جدی او بوده است. گواه این مطلب عکسهای بی‌شماری است که در مجلات و کتاب‌ها چاپ کرده است. چاپ عکس‌های تاریخی قدیمی نیز در پیوند با این علاقه و نیز شوق اطلاع‌رسانی اوست. در فهرست موضوعی آثار او ۳۶ عنوان به چاپ این گونه عکس‌ها اختصاص یافته است که عمدتاً در *آینده* و *راهنمای کتاب* چاپ شده‌اند.

افشار از ۱۳۴۴ تا تیر ۱۳۵۸ رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود. محل این کتابخانه ابتدا در زیرزمین دانشکده علوم بود. برپا کردن ساختمان کنونی آن مدیون همت افشار بود و از هیچ کس دیگر ساخته نبود. او در تمام این مدت صبحها در کتابخانه به کار اداری خود می‌رسید و بسیاری از بعدازظهرها به کتاب‌فروشیهای روبه‌روی دانشگاه تهران سر می‌زد و از کتاب‌های جدید برای سفارش برای کتابخانه صورت برمی‌داشت. تابستانها نیز یک یا دو ماه برای شناسایی و خرید کتاب‌های خارجی به اروپا و آمریکا می‌رفت. افسوس که بیشتر این گنجینه پس از استعفا او از مدیریت کتابخانه در سال ۱۳۵۸ نابود شد. گردآوری پانزده‌هزار نسخه خطی برای این کتابخانه، اعم از خریدن مجموعه‌های شخصی، مانند دو مجموعه مهم باستانی راد و سعید نفیسی و بعضی مجموعه‌های کوچکتر و انتقال مجموعه‌های خطی دانشکده‌های ادبیات، الهیات و پزشکی تهران که احتمال مفقودشدن بعضی نسخه‌های آنها می‌رفت به کتابخانه مرکزی همه به همت افشار بود. البته پایه این کتابخانه را هزار و اندی نسخه اهدایی سیدمحمد مشکوة تشکیل می‌داد.

یکی دیگر از فعالیت‌های علمی افشار تشکیل هفت کنگره ملی ایران‌شناسی در فاصله سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ بود که هر سال در یک شهر دانشگاهی ایران تشکیل می‌شد. برگزاری کنگره و آماده کردن مقدمات آن از فراهم کردن بودجه و در نظر گرفتن جا و درخواست مقاله و غیره از کارهای بسیار وقت‌گیر است که افشار با برنامه‌ریزی دقیق آن را با موفقیت انجام می‌داد.

افشار در بسیاری از جلسات علمی داخلی و بعضی کنگره‌های خارجی نیز شرکت می‌کرد و در آنها مقاله می‌خواند. انجام همه این فعالیت‌ها جز با یک برنامه‌ریزی دقیق و استفاده بهینه از وقت امکان‌پذیر نیست و این توانایی فقط در شخص او وجود داشت.

افشار در سال‌های اخیر متوجه پروراندن بعضی از جوانهای مستعد شده بود و اینان نیز در کارهای علمی به او یاری می‌رساندند.

در پایان لازم است به بعضی ویژگی‌های اخلاقی او هم اشاره‌ای بشود. او دارای ظاهری خشک و جدی بود و با دیگران به گرمی رفتار نمی‌کرد و این سلوک او مورد پسند خیلی‌ها نبود. اما او مردی عاطفی بود و عواطف خود را پنهان می‌کرد. به کسانی

او این بود که با همه کس از استاد و دانشجو و کارمند و عامی می توانست نشست و برخاست داشته باشد و کوچکترین حس خودبزرگ بینی در او نبود. هیچ گاه اهل تعریف از خود و کارها و خدمات خود نبود و ستایش هیچ کس هم در او ذره ای اثر نداشت. نام و خدمات بزرگ او هیچ گاه از خاطرها فراموش نخواهد شد.



که نیازمند بودند نیز از راههایی که می دانست کمک می رساند. مثلاً برای نوشتن مقاله در *راهنمای کتاب* و *آینده* به هیچ کس حق التالیف پرداخت نمی کرد، اما مرحوم محبوبی اردکانی که به حق الزحمه مقالات خود نیاز داشت یک بار برای من نقل کرد که افشار برای همه مقالاتی که او در راهنمای کتاب چاپ کرده به او حق التالیف می پرداخته است. ویژگی دیگر

مسافر شرق: از تنگنای شهر تاپیشانی فراخ بیابان

سیستان شناسی و سیستان گردی ایرج افشار

منصور صفت گل*



متنوع اطلاعات منابع مکتوب و جز آن بود. در میان نخبگان معاصر ایران سرشناس ترین و بلندآوازه ترین پژوهشگرانی که می توان او را پایه گذار چنین روش تلفیقی تحقیقات ایرانی دانست، ایرج افشار بود. افشار از پژوهشگران دلبسته به اندیشه ترقی و خود از دستاوردهای همین روند بود که در فضای مبتنی بر آن در تاریخ معاصر ایران بالید و خیلی زود به یکی از چهره های شاخص آن تبدیل شد. شرایط سیاسی و اقتصادی و علمی معاصر و نیز زمینه مناسب خانوادگی، شرایط را برای شکل گیری شخصیت خاص او فراهم آورد. مجموعه ای از تحولات و دلبستگی های اجتماعی و شخصی سبب شد تا افشار به دانشمندی چنددانشی تبدیل شود. کانون دلبستگی افشار در تمامی تحقیقات او و از همان آغاز جوانی، تاریخ و تمدن و فرهنگ ایرانی در گستره تاریخی آن بود. از این روی با درک کمبود و پراکندگی منابع تحقیقات ایرانی، بررسی میدانی و جست و جوی منابع مرتبط با آن را با یک رشته بلوک گردی در گستره جهان ایرانی آغاز کرد. سیستان و تاریخ و فرهنگ آن نخستین نقطه عزیمت افشار برای شناخت تمدن ایرانی بود.

یک بررسی عمومی از مجموعه فعالیت های پژوهشی ایرج افشار نشان می دهد که گستره دلبستگی های تحقیقی و همراه با آن بررسی های میدانی ایران شناسی او شگفت آور است. افشار از نادره کاران خستگی ناپذیری بود که در برج عاج پژوهش های کتابخانه ای ننگنجد - گرچه خود از نخستین کتابداران علمی

در پژوهش های متعارف و مرسوم مربوط به تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در دهه های پس از رواج شیوه های نوین تحقیقات تاریخی، کانون توجه پژوهشگران تأکید بر منابع مکتوب و بهره گیری از کتابخانه ها بوده است. تحقیقات مشهور به میدانی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز کمتر مورد توجه قرار می گرفت و بنابراین مجال چندانی برای درج آنها در مطالعات تاریخی نمی یافت. در این میان پژوهشگرانی بودند که ضمن تأکید تمام بر انتشار منابع متنوع برای تحقیقات تاریخی و تمدنی، بر مشاهده و ایجاد عمق معرفتی برای درک تحولات تاریخی پای می فشردند و خود از سرآمدان این تلفیق شیوه های پژوهشی به شمار می رفتند. از سوی دیگر در سنت رایج فرهیختگان ایرانی تدوین متونی بر گونه خاطرات نویسی و سفرنامه نویسی ریشه ای کهن داشت. این شیوه در دوره های پرفراز و نشیب تاریخ ایران، البته تحولات زیادی را از سر گذرانده و بسته به وضع سیاسی و اجتماعی هر عصر، رونق و رکود یافته است. روشن است که این نوع از فعالیت نخبگان در شرایط علمی و سیاسی و اقتصادی ایران معاصر شکوفا شد و هم به درک بهتر تحولات اجتماعی ایران یاری رساند و هم زمینه را برای سیاستمداران و تصمیم گیرندگان برای شناخت جامعه و تغییرات ضروری در آن آماده ساخت. این روند به شکل گیری نوع خاصی از ایران شناسی انجامید که دستاورد آن انتشار یک رشته تحقیقات میدانی و تلفیق آن با مجموعه

* استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

